

عشق، مزیت دوفردی است که همواره سبب رنج و اندوه یکدیگر می شوند.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۵۷ شنبه ۱۶ دلو/ بهمن ۱۳۹۵ ۷ جمادی الاول ۱۴۳۸ ۴ فبروری ۲۰۱۷



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



**عزیزی بانک**  
Azizi Bank

www.azizibank.af
 1515



## شاهراه شمال تا دوشنبه مسدود می ماند

شاهراه سالنگ بر اثر وزش باد و طوفانهای شدید و بی سابقه از ساعت شش شام روز پنجشنبه ۱۴ دلو بدین سو مسدود شده است و پیش بینی می شود که این وضعیت تا ۷۲ ساعت آینده ادامه داشته باشد. جنرال رجب، رئیس اداره حفظ و مراقبت سالنگها گفت که احتمال دارد تا ۷۲ ساعت آینده این شاهراه به روی ترافیک مسدود باشد. جنرال رجب تصریح نمود: "شدت طوفان در سالنگ جنوبی ۲۵ متر فی ثانیه است و ۸۰ سانتی متر برف باریده است و کسانی که در شاهراه گیر مانده بودند به جاهای مصون انتقال داده شده اند و این وضعیت تا ۷۲ ساعت پیش بینی شده است." آقای رجب تأکید می کند مسافرانی که در مناطق تاجیکان ولسوالی جبل السراج و ملخان ولسوالی بغلان مرکزی متوقف اند؛ انتظار باز شدن شاهراه سالنگ را تا مدت ۷۲ آینده ساعت نکشند و از سوی رستورانها اغفال نشوند. شاهراه سالنگ به عنوان یکی از کلیدی ترین بزرگ راه های کشور است که که شمال افغانستان را به جنوب وصل می کند. با فرارسیدن فصل زمستان، هرازگاهی این شاهراه به دلیل برف باری های سنگین مسدود می شود و مشکلاتی را برای مسافران به بار می آورد.



## دست رد وزارت دفاع به گزارش تکان دهنده سیگار

صفحه ۳

## پرونده های خبرنگاران به شکل جدی پیگیری می شود



فرید حمیدی، دادستان کل:

صفحه ۶



ولی د اسلامی نپی  
مشران د ترمپ په  
وړاندې چپ پاتې شول؟

صفحه ۸

سخنگوی ریاست اجرایی:

متقلبین نباید معافیت داده شوند



صفحه ۶

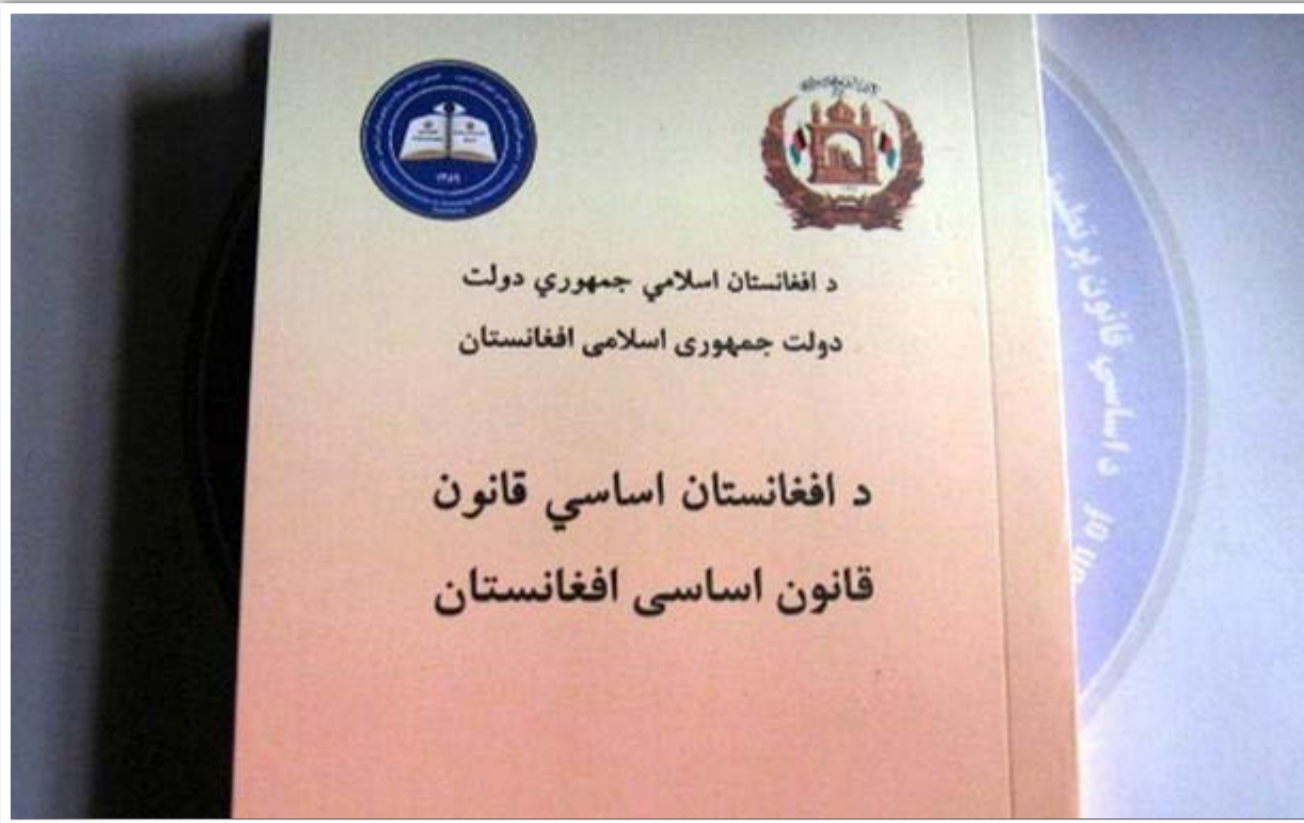
تغییر نظام سیاسی  
نیاز جزیره پراکنده

صفحه ۲

خوشبینی از مبارزه  
با فساد در فسادستان

صفحه ۲

# تغییر نظام سیاسی نیاز جزیره پراکنده



سیاسی چه دستاوردی برای افغانستان داشته است؟ امروز وقتی به انتطابها، بدبینیها و از هم گسخته‌گی‌های جامعه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که بخش بزرگی از آنها ناشی از همین ساختار متمرکز قدرت است. ساختار فعلی قدرت به جای آن که شهروندان افغانستان را با یک دیگر متحد و یک پارچه بسازد، بیشتر باعث فاصله و دوری آنها از یک دیگر شده است. اقوام مختلف امروز نگاه بدبینانه‌تری نسبت به پانزده سال گذشته به یک دیگر دارند و یا چنین به نظر می‌رسد. بسیاری از افغانستان زبان یک دیگر را نمی‌فهمند و به روی هم سلی می‌زنند. چرا؟ چون نظام متمرکز قدرت آنها را از سرنوشت و آینده شان به دور نگه داشته است. افغانستان در هیچ دوره این قدر پراکنده و به دور افتاده از هم نبوده است. افغانستان فعلی به جزایر پراکنده می‌ماند که به زور پازول‌های آن در کنار هم گذاشته شده‌اند. این واقعیت کشوری به نام افغانستان است و ما چه خواهیم و چه نخواهیم این واقعیت در برابر ما قرار دارد. با شعار دادن و بیرق اتحاد بلند کردن وقتی عملاً عدالتی در کار نباشد، هیچ وحدتی در میان مردم وجود نخواهد داشت. سیاسیون افغانستان باید بدانند که علت اصلی پراکنده گی‌های فعلی کشور نه در وجود مردم آن بل ریشه در دیدگاه‌ها و نظرات جاه طلبانه آنها دارد. اگر قدرت به صورت عادلانه در کشور تقسیم می‌شد، چرا این همه انتقاد و سروصدا نسبت به حضور کتله‌ها و اقشار جامعه وجود می‌داشت؟ نظام فعلی در پانزده سال گذشته نشان داده که پاسخ‌گویی شرایط کشور نیست و باید به صورت اساسی مورد بازنگری قرار گیرد. بازنگری نظام سیاسی فقط از طریق قانون اساسی ممکن است و نه راه دیگری. هر راه دیگری که برخی‌ها آن را دنبال می‌کنند، به هیچ پایان خوشی نخواهد رسید.

مورد تعدیل قرار گیرد. چه این حرف درست باشد و چه نباشد، اما وارد کردن اصلاحات و تعدیل در قانون اساسی کشور به عنوان وثیقه ملی از اهمیت ویژه برخوردار است. قانون اساسی یک متن مقدس و غیرقابل تغییر نیست که برای یک بار و همیشه نوشته شده باشد. از میان قانون‌های اساسی جهان که قدمت ۲۲۰ ساله دارد، قانون اساسی امریکا است که ظرف مدت بیشتر از دو قرن هنوز هم چنان روح متن نخست خود را حفظ کرده ولی همین قانون اساسی نیز در این مدت حداقل ۲۷ بار اصلاح شده است. اصلاحات و تغییرات در قانون اساسی منوط به شرایط و فضای سیاسی و اجتماعی یک کشور که چنین ضرورتی را به بار می‌آورد. اگر امروز از تعدیل در قانون اساسی افغانستان نیز سخن می‌رود، مبتنی بر یک سری نیازها و ضرورت‌های جامعه است. قانون اساسی باید پاسخ‌گویی شرایط و نیازهای مردم یک کشور باشد، در غیر این صورت وضعیت به بحران رفته و شهروندان کشور دست به اعتراض و سرپیچی از قانون می‌زنند. اگر قانون اساسی به عنوان قانون مادر نتواند عدالت، برابری و رفاه را برای شهروندان خود ارمغان کند و یا در برابر عده‌ی موضع تبعیض‌آمیز داشته باشد، بدون شک شرایط کشور دگرگون شده و سبب هرج و مرج و فروپاشی ساختارها می‌شود. وقتی گفته می‌شود که نظام سیاسی کشور از نظام ریاستی متمرکز به نظام پارلمانی غیر متمرکز تغییر پیدا کند، به هیچ صورت یک سخن کفرآمیز و به دور از روحیه قانون اساسی نیست. قانون اساسی افغانستان خود برای چنین تغییری راه را همواره کرده و در آن گفته شده که وقتی نیاز به تغییر قانون اساسی به وجود آمد باید از چه راهکارها و اصولی پیروی شود. سوال این جاست که آیا کسانی که با تعدیل قانون اساسی و به ویژه ماده مربوط به نظام سیاسی ریاستی مخالفت می‌کنند، می‌توانند استدلال کنند که در پانزده سال گذشته این نظام

امروز وقتی به انتطابها، بدبینیها و از هم گسخته‌گی‌های جامعه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که بخش بزرگی از آنها ناشی از همین ساختار متمرکز قدرت است. ساختار فعلی قدرت به جای آن که شهروندان افغانستان را با یک دیگر متحد و یک پارچه بسازد، بیشتر باعث فاصله و دوری آنها از یک دیگر شده است. اقوام مختلف امروز نگاه بدبینانه‌تری نسبت به پانزده سال گذشته به یک دیگر دارند و یا چنین به نظر می‌رسد. بسیاری از افغانستان زبان یک دیگر را نمی‌فهمند و به روی هم سلی می‌زنند. چرا؟ چون نظام متمرکز قدرت آنها را از سرنوشت و آینده شان به دور نگه داشته است. افغانستان در هیچ دوره این قدر پراکنده و به دور افتاده از هم نبوده است. افغانستان فعلی به جزایر پراکنده می‌ماند که به زور پازول‌های آن در کنار هم گذاشته شده‌اند. این واقعیت کشوری به نام افغانستان است و ما چه خواهیم و چه نخواهیم این واقعیت در برابر ما قرار دارد. با شعار دادن و بیرق اتحاد بلند کردن وقتی عملاً عدالتی در کار نباشد، هیچ وحدتی در میان مردم وجود نخواهد داشت.

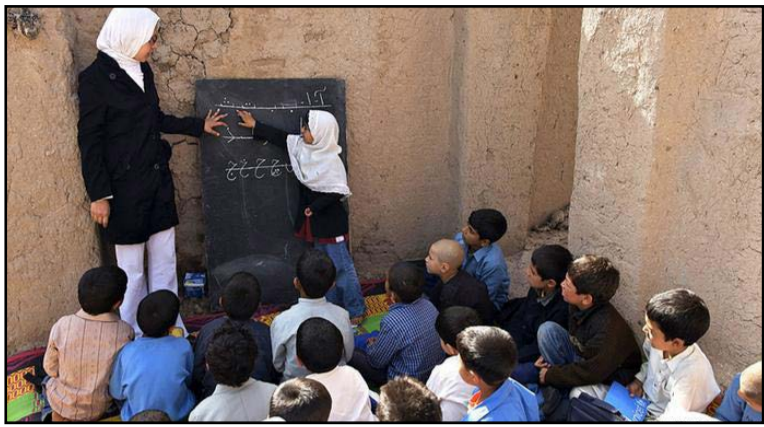
داکتر عبدالله رییس اجرائیه دولت وحدت ملی این روزها به صورت مستمر از تعدیل قانون اساسی افغانستان سخن می‌گوید. این موضوع یکی از موارد مطرح شده در توافقنامه سیاسی نیز هست که به تشکیل دولت وحدت ملی انجامید. داکتر عبدالله به این باور است که بخش بزرگی از مشکلات موجود در تقسیم قدرت در کشور به قانون اساسی بر می‌گردد که نظام متمرکز ریاستی را تجویز کرده است. گفته می‌شود متن اصلی قانون اساسی فعلی که به لویه جرگه سال ۱۳۸۲ ارایه شد، چیز دیگری بوده ولی عده‌ی آن را به دلایل مختلف تغییر داده و یا در لویه جرگه فضایی را به وجود آوردند که

## سخن ماندگار

### خوشبینی از مبارزه با فساد در فسادستان

در این روزها، نهادهایی مثل دیده بان شفافیت بین‌المللی، نسبت به روند مبارزه با فساد در افغانستان خوشبینی نشان دادند و نیز برخی مقامات خارجی در دیدار با رییس‌جمهور غنی هم از موفقیت روند مبارزه با فساد سخن گفتند و اخیراً نماینده سبگار، اداره بررسی کننده نحوه مصرف کمک‌های امریکا به افغانستان، نیز گفته است که روند سرمایه‌گذاری در بانکها موفقیت آمیز بوده است و این را گامی در راستای مبارزه با فساد خواندند. در عین حال اداره دادستانی کل کشور هم روز چهارشنبه گذشته بر مبارزه با فساد تاکید و کرد و از ادامه مبارزه با فساد سخن گفت. در حالی از موفقیت در روند مبارزه با فساد بیشتر از آدرس نهادهای بین‌المللی سخن زده می‌شود و مقامات در حکومت هم بر موثریت این روند تاکید کرده‌اند که فساد در این کشور در اوجش به شکل عریان و روشن وجود دارد و کافی است که اندکی در این زمینه حرف زده شود تا دریابیم که سطح فساد در کجاست؛ گرچه بحث مبارزه با فساد اداری، از مدت‌های زیادی بدین سو نقل مجلس‌ها و موضوع اصلی بسیاری از کنفرانس‌ها و گفتگوهای است که در مورد افغانستان در آنجا بحث و گفتگو صورت می‌گیرد اما آنچه از این رهاورد می‌توان به حیث یک دستاورد در امر مبارزه با فساد اداری در افغانستان قلمداد نمود بسیار ناچیز و اندک به نظر می‌رسد. باوجود تشکیلات چندگانه کلان برای مبارزه با فساد هنوز هم می‌بینیم که دولت ما در اول کوچه مبارزه با فساد در چند قدمی آن گیر مانده است. شما همین اکنون سری به یکی از نهادهای عدلی و قضایی یاهم به اداره دولتی دیگر بزنید، برای انجام یک کار قانونی و مشروع تان بروید، کمتر کسی پیدا خواهد شد که بدون گرفتن رشوه ولو خورد یا بزرگ، به سلام شما پاسخ بگوید و این مبالغه و تصویر سازی هم نیست. همین اکنون در اداراتی که باید مبارزه با فساد کنند فساد وجود دارد. شما همین اکنون نمی‌توانید بدون داشتن یک مقدار پول داخل ادارات دادستانی در کشور شوید و یاهم به دادگاه بروید و یا ادارات دیگر مثل نهادهای پولیس و غیره. زیرا بدون پول، حتا اوامر مقامات به دربخور نیستند و این فقط پول است که کار را راه می‌اندازد.

یعنی افغانستان با داشتن سطح بلند فساد را می‌شود را می‌شود فسادستان لقب داد و مبارزه در چنین کشوری با فساد اداری به شدت زمان گیر است و نیازمند اراده جدی و وجدان سالم و برنامه منظم. همین اکنون ساختار بسیاری از نهادهای عایداتی و مهم تقریباً یک قومیشده سات تا فساد در زنجیره خاص و حلقه خاص گردش کند و قصه آن هم به بیرون درز نکند. این وضع در ادارات زیادی حاکم است و خود نماینده‌گر سطح فساد سیستماتیک در کشور است که منفعتش به مقامات بالا هم می‌رسد و حتا بسیاری از فاسدان از طرف رییس‌جمهوری مورد تفریر و تشکر و قدردانی‌های زیادی هم قرار گرفته‌اند و نازول شده‌اند. به عنوان نمونه اگر مشکلات در گمرکات افغانستان را ببینید و سطح فساد و بیداد را مطالعه کنید، به قرار دادهای کلان و نامعلوم وزارت معارف طی این سالها سر بزنید و به قرار دادهای کلان نهادهای امنیتی مراجعه کنید در میابید که سطح فساد در سطح بلند قرار دارد و شاید در منطقه بی‌مانند باشد. و در چنین موقعیتی گزارش‌های دهان پر کن برخی نهادهای بین‌المللی هم زیاد شفاف به نظر نمی‌رسند. بنابراین باور بیشتر مردم افغانستان این است که بحث مبارزه با فساد علی‌رغم این که برخی افراد در دولت به خصوص دولت وحدت ملی تلاش دارند که جدی گرفته شود و کارهایی را هم در حد توان انجام می‌دهند، بیشتر یک بحث سیاسی و یک شعار است و این امر هر روز در نهاد دولت نهادینه می‌شود و امروزه رشوه‌ستانی و رشوه‌گیری به یک امر معمول عادی و پیش پا افتاده تلقی شده است. در چنین حالتی خوشبینی‌های نهادهای بین‌المللی در امر مبارزه با فساد نشان دهنده آن است که یا این نهادها به شکل سیاسی برای دولت وحدت ملی به خصوص آقای غنی مشروعیت سازی می‌کنند و یاهم این که کورکورانه زیر تاثیر تبلیغات دورغین دولت در امر مبارزه با فساد قرار گرفته‌اند.



## دهها هزار کودک

### در غرب کشور از رفتن به مکتب محروماند

مسوولان معارف در غرب افغانستان می‌گویند که دروازه بیش از ۱۸۵ باب مکتب در ولایت‌های هرات، فراه، بادغیس و غور به روی شاگردان مسدود اند که این خود ۳۴ هزار شاگرد را از نعمت آموزش محروم نموده است.

تهدیدهای امنیتی، بیجاشدن خانواده‌ها به دلایل امنیتی و کمبود معلم مسلکی از جمله اساسی‌ترین عوامل مسدود شدن مکاتب در غرب افغانستان می‌باشد.

عبدالرزاق احمدی، رییس معارف ولایت هرات می‌گوید: "در حال حاضر ۲۷ باب مکتب در ولسوالی شیندند، ۳ باب مکتب در ولسوالی گزده، یک باب مکتب در گلران، یک باب مکتب در کهسان، ۵ مکتب در زنده جان و ۲ باب مکتب در ولسوالی اوبه هرات که مجموعاً ۴۲ مکتب می‌شود به دلایل نا امنی‌ها و کمبود معلم مسلکی مسدود می‌باشند."

وی افزود که نزدیک به دو هزار شاگرد در هرات از رفتن به مکتب محروم اند که ۶۰ درصد شان را دختران و اطفال تشکیل می‌دهند.

با این حال، جیلانی فرهاد سخنگوی والی هرات با تایید مسدود بودن شماری از مکاتب در ولسوالی‌های هرات گفت: "اداره محلی این ولایت در تلاش رفع موانع امنیتی فرا راه شاگردان معارف و بازگشایی این مکاتب می‌باشد."

در همین حال دکتر مهدی حدید، مسئول کمیته امنیتی شورای ولایتی هرات می‌گوید که رقم مکاتب غیر فعال در هرات بالاتر از آمار است که توسط ریاست معارف این ولایت ارائه شده است.

وی افزود: "بیشترین مکاتب مسدود شده در ولسوالی‌های اوبه، کشک کهنه، رباط سنگی و شیندند هرات مکاتب دخترانه می‌باشند."

فراه نیز در غرب افغانستان از جمله ولایاتی است که ۴۰ باب مکتب آن در ولسوالی‌های پشت کوه و پشت رود این ولایت به دلیل مشکلات امنیتی مسدود است.

محمد صابر فاروقی، رییس معارف ولایت فراه می‌گوید: "اخیراً این اداره با همکاری یکی از نهادهای بین‌المللی اقدام به راه اندازی ۷۰۰ صنف محلی کرده است که بیش از ۳ هزار شاگرد در آن مصروف تعلیم می‌باشند."

فاروقی افزود اداره معارف این ولایت ۲۰۰ هزار شاگرد دارد که ۶۰ درصد آنان پسران

## گزارش

روح الله بهزاد

# دست رد وزارت دفاع به گزارش تکان دهنده سیگار

در حالیکه سیگار می‌گوید، تلفات دولت در افغانستان بلند است و حکومت به سختی خاکش را اداره که می‌کند، وزارت دفاع دست رد به سینه این گزارش زده می‌گوید که گزارش سیگار حقیقت ندارد.

۲۰۱۶ می‌خواستند مراکزشان را به افغانستان انتقال بدهند، در کنار این، ما امکانات کافی هم نداریم."

سخنگوی وزارت دفاع ملی در پاسخ به این پرسش که عملیات‌های زمستانی این وزارت تا کجا به پیش رفته و چه دستاوردهایی داشته؟ تصریح کرد: در کنار عملیات شفق دو، هرروز قطعات ما حدود ده الی پانزده عملیات محاروبی را در سیزده ولایت بالای مخالفین اجرا می‌کنند و دستاوردهای خوبی نیز در این عملیات‌ها نصیب نیروهای امنیتی ما شده است.

آقای وزیر هم‌چنان می‌گوید که با تمام امکانات مصروف‌اند تا به مخالفین ضربه بزنند و در بهار سال آینده مخالفین نتوانند حملات‌شان را بیشتر کنند.

این درحالی است که به نظر می‌رسد عملیات‌های زمستانی نیروهای امنیتی در کشور نیز با جدیت پی‌گیری شود، اما در بسیاری از بخش‌هایی که حکومت وعده سپرده بود، تا کنون از عملیات خبری نیست.

از سویی هم، در چند روز اخیر وضعیت امنیتی در برخی از بخش‌های کشور از جمله ولایت هلمند رو به وخامت گراییده که نگرانی‌های بسیاری را ایجاد کرده است.

با این حال در گزارش اداره بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا در امور بازسازی افغانستان هم‌چنان گفته شده که کشت و تولید مواد مخدر نیز در افغانستان رو به افزایش است.

خواستیم در این زمینه دیدگاه وزارت مبارزه با مواد مخدر را نیز داشته باشیم، اما با کوشش‌های مکرر کسی به تماس ما پاسخ نگفت.

براساس گزارش سیگار، تنها مورد واضحی که در افغانستان به نظر می‌رسد، کاهش فساد در بخش تهیه لژومات و ارایه خدمات است.

پس از پایان حکومت اوپاما، این نخستین باری است که سیگار با اداره بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا گزارشی را در مورد افغانستان را به دونالد ترامپ، رییس‌جمهور کنونی آن کشور می‌سپارد.

عملیات‌ها از سوی نیروهای امنیتی کشور و تلاش مخالفین بر انتقال مراکزشان به افغانستان بوده است. دولت وزیری، سخنگوی وزارت دفاع ملی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار گفت: ما می‌پذیریم که جنگ در افغانستان در ابعاد مختلف افغانستان به دست مخالفین باشد، حقیقت ندارد. گزارش سیگار تنها در قسمت این‌که در افغانستان جنگ جریان دارد، درست است.

آقای وزیری با بیان این‌که گزارش

بازرسی ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان یا سیگار، گزارشی را نشر کرده است که نشان می‌داد، حکومت افغانستان به سختی می‌تواند نیمی از خاکش را اداره کند.

بربنیاد گزارش تازه سیگار، تلفات نیروهای امنیتی کشور در یک سال گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است.

جان سپکو، مسوول اداره سیگار در افغانستان در این گزارش گفته است که ۶۷۰۰ تن از نیروهای امنیتی افغانستان در سال ۲۰۱۶



سیگار اشتباه و توأم با اغراق و زیاده‌روی است افزود: "در همه ولایت‌ها حاکمیت دولت وجود دارد. بیش از ۴۰۰ ولسوالی‌ها فعال و تحت حاکمیت حکومت هستند، اما تنها در مرکز هشت ولسوالی حاکمیت دولت وجود ندارد و در دست مخالفین است."

آقای وزیر با رد گزارش سیگار مبنی بر افزایش تلفات نیروهای امنیتی کشور در یک سال گذشته، خاطر نشان ساخت: "این تلفات به صورت نسبی زیاد است، دلیل این افزایش هم این است که نیروهای امنیتی بدون پشتیبانی قوت‌های بین‌المللی، مستقلاً عملیات‌ها را انجام می‌دهند. از سوی هم، مخالفین در سال‌های ۲۰۱۵ و

جان‌های‌شان را از دست داده‌اند و تلفات این نیروها ۳۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

براساس این گزارش، نیروهای امنیتی افغانستان به تازه‌گی بیش از شش درصد بخش‌های زیر تسلط‌شان را از دست داده‌اند.

اما مسوولان در وزارت دفاع ملی با رد گزارش سیگار می‌گویند، تنها با آن بخش گزارش سیگار موافق هستند که اشاره به موجودیت جنگ در افغانستان دارد، بقیه گزارش اشتباه و توأم با اغراق است.

مسوولان وزارت دفاع هم‌چنان می‌گویند که تلفات نیروهای امنیتی کشور در سال گذشته به صورت نسبی افزایش داشته و دلیل آن هم نبود امکانات، راه‌اندازی مستقلاً

## یک پولیس هشت همکارش را در فاریاب کشت

مقامات افغانستان روز جمعه گفته اند که یک پولیس در یک ولایت شمالی بر همکارانش شلیک کرده و هشت نفر را کشته است. براساس یک خبر دیگر، یک مرد مسلح در شرق کشور به طور مرگباری بر یک ملا و همسرش شلیک کرده است.

طبق اظهار عبدالکریم یورش سخنگوی پولیس، این افراد پولیس هنگامی کشته شده اند که در پوسته ای واقع در ولسوالی المار ولایت فاریاب در خواب بوده اند.

این حمله پنجشنبه شام صورت گرفته است و فرد پولیسی که پهره دار بوده است، آتش گشوده و همکارانش را کشته است و بعداً سلاح‌های آن‌ها را با خود گرفته و از صحنه فرار نموده و فکر می‌شود که به طالبان پوسته باشد.

طالبان رسماً مسئولیت این حادثه را ننگرفته و ادعایی

نموده اند، اما در گذشته حوادث مشابهی توسط آن‌ها در افغانستان صورت گرفته است. شمار فزاینده مواردی بوده اند که در آن‌ها سربازان اردو و یا پولیس و یا طالبانی که به صفوف این نیروها نفوذ کرده اند سلاح‌شان را علیه همکاران‌شان و یا شرکای ائتلاف به رهبری ایالات متحده آمریکا برگردانده اند.

همچنان بنا به گفته محمد الیاس وحدت والی پکتیکا، پنجشنبه شب، در این ولایت و اقع در شرق افغانستان یک مرد مسلح یک ملا را با همسرش کشت.

وحدت گفته است که این مرد مسلح به خانه ملا در ولسوالی یوسف خیل داخل شده، ملای مذکور و همسرش را به ضرب گلوله کشته است. دو طفل آن‌ها که در خانه بوده اند، زنده مانده اند.



پولیس گفته است که هنوز روشن نیست کی در عقب این حمله قرار دارد و عجاتاً هیچ کس مسئولیت این قتل را ننگرفته است.

در یک مورد خشونت دیگر، بنا به اظهار گل آغا روحانی قوماندان پولیس ولایت ننگرهار، ملیشه‌های

داعش در اوایل صبح روز جمعه در پوسته پولیس ولسوالی کوت داخل شده و دست کم یک افسر پولیس را کشته اند.

نیروهای امنیتی افغانستان واکنش نشان داده و ۱۲ تن از جنگجویان را کشته اند.

**پادداشت: این روزها فیسبوک اثرگذارترین پدیده در جهات مثبت و منفی در حیات اجتماعی مردم افغانستان به شمار می‌آید؛ گویی که دیگر بدون آن نمی‌توان زیست و در کنار آن نیز نمی‌توان آرام گرفت. این وابستگی شدید، اثرات نامطلوب خود را در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش، سیاست، خانواده و سلامت جمعی مردم به نمایش گذاشته و این نگرانی را به میان آورده که اگر نتوانیم استفاده از این پدیده دنیای مدرن را نظام‌مند بسازیم، فیسبوک و لجام‌گسیخته‌گی‌های مرتبط با آن، به تدریج شیرازه همه داشته‌های مادی و معنوی‌مان را می‌پاشاند و درد و حسرت به‌جا می‌گذارد. روی این ملحوظ، روزنامه ماندگار همت به خرج داده و پیرامون این موضوع داغ، گفت‌وگویی را در یک میز مدور با آقایان نجیب‌الله منلی، پریالی فطرت و حامد علمی، تدویر نموده که محتوای آن به شرح زیر تقدیم‌تان می‌گردد.**



جناب استاد فطرت، به نظر می‌رسد فیسبوک دورها را نزدیک و نزدیک‌ها را دور ساخته است. به نظر شما، این وضعیت چه تأثیری را بر نظام حاکم بر خانواده برجا گذاشته است؟

طبیعتاً تأثیر فیسبوک بالای خانواده‌ها و افراد مختلف، نسبی است و نوع و میزان تأثیر فیسبوک بالای خانواده‌ها بسته‌گی دارد به موقعیت فرهنگی و گرایش‌های اقتصادی و اجتماعی‌یی که یک خانواده دارد. خانواده‌هایی که از فرهیخته‌گی برخوردارند و می‌دانند استفاده معقول از فیسبوک چیست، قطعاً تأثیر فیسبوک بالای آنان مثبت و خوب است. به گونه مثال، فیسبوک می‌تواند یک مادر را در بالا رفتن تجربه مادری و آشنا شدن با روش‌ها و نزاکت‌های پرورش و آموزش خوب اطفال، کمک شایان برساند. این مادر می‌تواند مطالبی که او را در این زمینه کمک می‌کند، از فیسبوک بگیرد و به مادران دیگر نیز بفرستد. اما برعکس، خانواده‌یی که از فرهیخته‌گی و هوشیاری لازم برخوردار نباشد، استفاده از فیسبوک بر روابط اعضای آن خانواده تأثیر منفی می‌گذارد. فیسبوک در چنین خانواده‌هایی منبع اخذ افکار بی‌پایه، غفلت و روزمره‌گی می‌باشد و طبیعتاً اثرات منفی بر نظام خانواده برجا می‌گذارد.

استاد منلی به نظر می‌رسد که فیسبوک در رشد سواد عمومی نقش داشته است، به ویژه در حوزه زبان. کسانی که وارد فیسبوک شده‌اند، به مرور زمان سوادشان در عرصه نگارش و درست‌نویسی ارتقا یافته است. باور شما در این باره چیست؟

حدود ۱۵۰ سال قبل در اروپا «ناول سیاه» یا «ناول یک‌پایه‌گی» به میان آمد. برخی ناشران، داستان‌های بسیار آسان اجتماعی را چاپ و نشر می‌کردند و باور داشتند که این کار سبب بلند رفتن سطح سواد جامعه می‌گردد. اما عده‌یی از دانشمندان به این باور بودند که این کار سبب بی‌فرهنگ شدن جامعه می‌شود. عین همین مسأله را در فیسبوک نیز داریم. چند موضوع و مسأله، مسلم است؛ تکنالوژی معلوماتی به هنر درست‌نگاری بسیار آسیب رسانده است. بهترین روزنامه‌های اروپایی که برجسته‌ترین ویژه‌گی‌شان درست‌نگاری بود، امروز پُر از اشتباه شده‌اند. این یک تحول است، اما تحولی که سبب می‌شود املا‌ی زبان تغییر کند. مسأله تیزنویسی سبب شده درست‌نگاری صدمه ببیند. شما وقتی در یک ساعت ده پیام تبادل می‌کنید، طبیعتاً سست است که در جمله‌بندی‌تان دقت زیادی به خرج نمی‌دهید. فیسبوک نیز عین مسأله را به میان می‌آورد. فیسبوک در جامعه ما سطح سواد را بلند برد، یعنی کسانی که حتا با حروف آشنایی نداشتند، امروز می‌نویسند. درست است که اشتباه می‌نویسند، اما به مرور زمان می‌توانند خوب بنویسند.

مسأله دیگری که ما با آن مواجه هستیم، تخنیک‌ی است. زبان‌های ما فونت‌های لازم را در دستگاه‌هایی که از آن‌ها استفاده می‌کنیم، ندارند. پس راه حل این مشکل تخنیک‌ی را مردم بی‌سواد ما پیدا می‌کنند. با کیبورد انگلیسی، فارسی و پشتو می‌نویسند و این کاری بسیار جالب است. به باور من، این وضعیت سبب تقویت زبان می‌گردد. در عین زمان، وقتی ما از وسیله‌یی حرف می‌زنیم که زمانش ثانیه است، طبیعتاً ست فاصله‌یی را که نیاز است با موضوعات داشته باشیم، نداریم. این موضوعی است که از سال‌ها به این سو در مورد شبکه‌های اجتماعی وجود داشته است. شما دقتی را که در کتاب دارید، در مجله ندارید، دقتی را که باید در مجله داشته باشید، در روزنامه ندارید. در مقابل دقت، انسان سرعت را به‌دست آورده است. کثرت اطلاعات زمانی موجب می‌شود که شما فاصله گرفته و بالای

اطلاعات فکر کنید.

جناب علمی، آقای منلی اشاره کردند که فیسبوک سطحی‌نگری را به‌وجود می‌آورد و سبب می‌شود انسان از مطالعات عمیق و پژوهشی باز بماند. آیا شما نیز چنین دیدگاهی دارید؟

به نظر من این وضعیت بسته‌گی به کاربران این شبکه و نحوه استفاده‌شان از فیسبوک دارد. به من که در حوزه تاریخ کار می‌کنم و به آن علاقه دارم، فیسبوک بزرگ‌ترین کمک را رسانده است. مقالات فراوانی از این دریچه به‌دست آورده‌ام و با کسانی که به مشکل می‌شد رابطه برقرار کرد، رابطه برقرار کرده‌ام. اما در کنار این‌ها، کسانی هم هستند که تنها عکس نشر می‌کنند و یا هم مطالبی که نه به درد خودشان می‌خورد و نه به درد دیگران. یعنی می‌توان گفت، فیسبوک سبب شده که از درس و تعلیم باز بمانند و یا هم مطالعه و آموزش را کمتر کنند.

از سویی هم، فیسبوک زمینه‌ساز تحقیق و پژوهش نیز شده است. ما شاهد هستیم که استادان و دانشمندان فراوانی در فیسبوک حضور دارند که پژوهش‌ها و نوشته‌های‌شان را از این آدرس به مردم ارائه می‌دهند؛ چون فیسبوک وسیله کم‌هزینه‌یی است که به زودترین فرصت، بیشترین مطالب را به دوردست‌ترین مناطق می‌رساند. مطالب و نوشته‌ها و پژوهش‌ها در فیسبوک مخاطب زیاد پیدا می‌کنند و استادان و نویسندگان و شاعران و... تمایل دارند در فیسبوک به نوشته‌های‌شان مخاطب بیشتر پیدا کنند.

استاد فطرت، گمان می‌شود که بسیاری از دانش‌آموزان غرق استفاده از فیسبوک هستند و کمتر به دروس مکتب و دانشگاه‌شان می‌پردازند. با این حساب، می‌توان گفت که فیسبوک بر نظام آموزش و پرورش افغانستان تأثیر منفی گذاشته است؟

باید بگویم که تقریباً در سطح تمام دانشگاه‌ها فیسبوک جا افتاده و اکثر دانشجویان از آن استفاده می‌کنند، اما باز هم تأکید می‌کنم که نوع تأثیر فیسبوک بالای دانشجویان، بسته‌گی دارد به اندیشه آن‌ها در استفاده از فیسبوک. هم تأثیرات مثبت آن قابل مشاهده است و هم تأثیرات منفی آن. به گونه مثال، ما داریم دانشجویانی را که از فیسبوک صرفاً برای وقت‌گذرانی و تفریح استفاده می‌کنند و اندیشه‌ها و افکاری را پخش می‌کنند که نه تنها راه‌گشا نیست، بلکه سدکننده نیز است. در مقابل داریم دانشجویانی را که از طریق فیسبوک با دانشمندان دنیا و نویسندگان برجسته رابطه برقرار می‌کنند، منابع می‌گیرند، مشوره می‌گیرند و می‌آموزند.

ما در فیسبوک شاهد مسأله دیگری نیز هستیم و آن، رفتن به سوی «یک‌گفت‌وگویی جدید در پیوند با مفاهیم

# اثر و عوارض فیسبوک بر جامعه افغانستان

گرداننده: جمشید یما امیری  
ترتیب کننده: روح‌الله بهزاد

بخش ششم و پایانی

جدید

است؛ مانند دموکراسی، حقوق بشر و جهانی‌شدن و... که در میان دانشجویان اثرات بسیار مثبت و تعیین‌کننده دارد.

جناب منلی، فیسبوک در کنار ایجاد گفتمان، قادر به ایجاد جدال و اختلاف نیز است. به نظر شما، فیسبوک تا چه میزان اختلافات قومی و تباری در کشور را دامن زده است؟

فیسبوک هم‌زمان با این‌که اختلافات تباری را تبلور می‌دهد، ملی‌گرایی را نیز رشد می‌دهد. من اگر مقایسه کنم، اثرات مثبت به سوی ملی‌گرایی در فیسبوک به مراتب قوی‌تر از پخش افکار تفرقه‌طلبانه است. در فیسبوک تنها تفرقه قومی وجود ندارد، تفرقه مذهبی نیز وجود دارد و عده‌یی اندیشه‌های بسیار خطرناکی را نشر می‌کنند؛ اما خوشبختانه در مقابل کسانی هم هستند که اندیشه‌های خوب و صلح‌جویانه و بشرپورانه را پخش می‌کنند.

به نظر من، ما در جریان‌ی قرار داریم که جامعه‌مان را انعکاس می‌دهد. جامعه ما کاملاً پاک نیست و کاملاً کثیف هم نیست. پس ما هم کثافت‌ها را می‌بینیم و هم پاکی‌ها و خوبی‌ها را. رسالت اجتماعی ما ایجاد می‌کند که به جوانان‌مان پیام‌هایم که چگونه اضرار را تشخیص و خود را از آن حفظ و نگاه‌داری کنند و همین‌گونه، چگونه منفعت‌شان را تشخیص و تأمین کنند.

آقای علمی، شما بر قانون‌مند شدن فیسبوک بسیار تأکید دارید، چه راهکاری را برای تحقق این مهم پیشنهاد می‌کنید؟

پیشنهاد من برگزاری سمینار دوسه روزه‌یی است که در آن، حقوق‌دانان، استادان دانشگاه، جمعی از کاربران فیسبوک و کارشناسان نهادهای مختلف حضور داشته باشند. بحث و تبادل نظر صورت گیرد و در نهایت، تجویزی در پیوند به استفاده‌عقلانی از فیسبوک ارائه گردد. باید قبول کنیم که ما یک جامعه اروپایی نیستیم و روند ملت‌سازی نیز در کشور ما صورت نگرفته است. هنوز جامعه جنگی و شکننده هستیم و اولویت ما امنیت است. ساختار افغانستان، ضعیف است. اگر کسی از ظلم و ستمی که به مردمش روا داشته شده شکایت می‌کند، مشکلی نیست؛ اما از همین آدرس اگر

استخبارات دشمن نفوذ کند، وضعیت بدتر می‌شود و بهتر نه، بنابراین، با توجه به این مسایل، طرفدار قانون‌مند شدن فیسبوک هستم.

استاد فطرت، از شما می‌خواهیم ضمن جمع‌بندی بحث و صحبت‌های‌مان، دیدگاه پایانی‌تان در مورد فیسبوک و فرهنگ استفاده از آن را با ما در میان بگذارید.

در مجموع، باید فیسبوک به فال نیک گرفته شود و از آن استقبال صورت گیرد؛ زیرا یکی از واقعیت‌های عینی دنیای امروز است. ما در موارد مختلف نیاز به استفاده خوب از فیسبوک داریم. تأثیر مثبت و منفی فیسبوک بالای افراد جامعه، بسته‌گی دارد به نوع فرهنگ استفاده افراد از آن. در عین حال، در داخل فیسبوک به عنوان یک افق کلان، شاهد وجود افق‌های کوچک‌تری هستیم که ما را با دنیای جدید، با شیوه‌ها و روش‌های جدید و مختلف فکری آشنا می‌سازد.

اما نکته اساسی‌یی که باید به آن توجه شود، این است که ما نیاز به آسیب‌شناسی استفاده از فیسبوک در افغانستان داریم. باید تحقیق کنیم شکننده‌گی و آسیب‌هایی که این وسیله می‌تواند به دنبال داشته باشد، در کجاست. با این آسیب‌شناسی به‌آسانی می‌توانیم روش‌های غلبه بر این آسیب‌ها را نیز پیدا کنیم. از سوی دیگر، برای ایجاد فرهنگ استفاده مثبت و متناسب با نیازهای امروز افغانستان، می‌توانیم از خود فیسبوک و امکانات موجود در آن کمک بگیریم. همچنان نیاز داریم که رسانه‌های مختلف، نهادهای جامعه مدنی، نظام معارف افغانستان و کسانی که اهل فن هستند، در این زمینه با مساعی مشترک، به تدریج فرهنگی را ایجاد کنند که در سایه آن استفاده از فیسبوک معقول، رهگشا و کمک‌کننده به وحدت و همدلی باشد.

گفت‌وگو کننده: هارون مجیدی

**اشاره: زیوری ویژه تا کنون تنها "سرانجام باران" را نشر کرده و خودش از شعرهای آمده در این مجموعه راضی نیست؛ اما زمانی که این مجموعه منتشر شد، مورد استقبال شعردوستان قرار گرفت. او کارهای ادبی دیگری نیز انجام داده که از بهر آشنایی بیشتر با او و فعالیت‌های ادبی‌اش، این پرس‌و‌شنید را انجام داده‌ایم.**

منمون از این که برای این پرس‌و‌شنید فرصت گذاشتید. در آغاز دوست داریم در پیوند به شروع زنده‌گی و آموزش‌های‌تان بگویید.

در بهار سال ۱۳۵۸ آفتابی زاده شدم. در زادگاهم تالقان بود که مراحل ابتدایی آموزش را فرا گرفتم و تا پایان دوره مکتب در تالقان ماندم. در رفتن به دانشگاه چند سالی توقف داشتم که دلیلش هم روزگار سیاه طالبانی و جنگ‌های خانمان‌سوز بود. دانشگاه را در کابل خواندم و از دانشکده آموزش و پرورش مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دریافت کردم. بعداً رفتم دنبال کار و پس از چند سال کار، در سال ۱۳۹۳ مقطع کارشناسی ارشد را در کشور کمبودیا در رشته صلح و مطالعات گذار از جنگ خواندم و به همین‌گونه تا امروز، مصروف کار و تلاش برای صلح و ادبیات هستم.

**\* چه زمانی آغاز به نوشتن و سرودن کردید؟**

در سال‌هایی که طالبان سرنوشت کشور را سیاه می‌کردند، دغدغه‌های خواندن و نوشتن در من بیدار شد و به تدریج، عشق سرودن نیز برایم زنده‌تر و خواستنی‌تر شد.

**\* تا حال چند مجموعه از کارهای‌تان به نشر رسیده است؟**

تا حال، یک مجموعه از شعرهای ابتدایی‌ام یا بهتر بگویم، شعرهایی که مال آن زمان بودند، از نشانی بستر ادبی - فرهنگی دریاچه به نام "سرانجام باران" چاپ شده که در حقیقت نمی‌شود به آن‌ها شعر گفت.

**\* چه کارهای تازه‌یی روی دست دارید؟**

در مورد کارهای تازه باید بگویم، گاهی پیش می‌آید که انسان در مواردی سکوت می‌کند و این سکوت ناشی از ناسپاسی و ناهم‌خوانی محیط و آدم‌های پیرامون آدم است که نمی‌گذارند کاری بکنی و یا هم آدم را به فکر کردن خاموشانه و می‌دارند. اما کارهایی که اخیراً روی دست دارم را به‌زودی به دست دوستان خواهم سپرد.

**\* چندی است از شما کمتر می‌خوانیم، چرا؟**

فکر کنم این پرسش را در بالا پاسخ دادم.

**\* در چند سال گذشته، جوانان شمال‌شرق در بخش داستان و شعر کارهای خوبی انجام داده‌اند و شما هم به عنوان یکی از چهره‌های فعال این حوزه کارهای درخوری انجام داده‌اید. این شگوفایی چگونه به‌سر رسیده و حال‌وهوای کارهای ادبی - فرهنگی این روزهای شمال‌شرق چگونه است؟**

بسی در سال‌های گذشته، ما شاهد شگوفایی جنبش‌هایی در کل افغانستان به‌ویژه در شمال‌شرق بودیم که نمی‌شود از کنار آن به‌ساده‌گی گذشت. کارهایی در حوزه شعر، داستان و گونه‌های ادبی دیگر که نمونه‌های فراوانی از آن در ذهن مخاطبان وجود دارد، صورت گرفته‌اند. اگر باور ما بر این باشد که این شگوفایی حالا به‌سر رسیده فکر کنم، یک قضاوت خوب نخواهد بود؛ چون هنوز که هنوز است بیشترین کارهای ماندگار ادبی را ما از حوزه شمال‌شرق سراغ داریم، بیشتر در زمینه شعر و کمتر در زمینه داستان. حال و هوای کارهای ادبی - ادبی در حوزه شمال‌شرق هنوز خوب است و هنوز هستند فراوان نویسنده‌گانی که در این خصوص قدم و قلم می‌زنند.

**\* تفاوت کار شاعران شمال‌شرق با حوزه‌های دیگر ادبی افغانستان نظیر کابل، بلخ و هرات را در چه می‌بینید؟**

به نظر من، وقتی ما از دیدگاه یک منتقد به شعرها و گونه‌های ادبی حوزه‌های مختلف نگاه می‌کنیم، دیدگاه‌های ما در خصوص محتوا و چگونگی پرداخت قالب و فرم آثار متفاوت خواهد بود که در روزگاری یک حوزه و یا یک نهاد به‌خصوص یک سمت به آن می‌پردازد، اما وقتی ما به عنوان یک مخاطب به کارهای ادبی یک حوزه نگاه می‌کنیم و یا هم به سلیقه فردی خود می‌خواهیم قضاوت کنیم، بدون شک این برمی‌گردد به نحوه دید ما و آن‌چه که ما در ذهن خود به قول



## در کوچ‌ه‌ها نعلش زمستان بود و تنهایی...

### پرس‌و‌شنیدی با آقای زیوری ویژه

معروف طرف‌دارش هستیم. تفاوت کارهای شاعران شمال‌شرق با دیگر حوزه‌ها بر می‌گردد به میزان تولید اندیشه سرودگران و آفریدگاران آثار که چگونه در طیف‌های امروزی خود را رها می‌کنند و بیشتر به محتوای معاصر بودن می‌اندیشند.

از سوی دیگر، وقتی به تفاوت واقعی کارهای ادبی حوزه‌های نام‌برده دقت کنیم، درمی‌یابیم که حوزه‌های دیگری چون بلخ، هرات و کابل چند قدم از حوزه شمال‌شرق کارشان را جلوتر آغاز کرده‌اند و پخته‌گی ناشی از این دست می‌تواند بیاتنس این تفاوت‌ها را متفاوت جلوه دهد. اگر در خصوص شعر شمال‌شرق دیدگاهی داشته باشیم این است که شعر شمال‌شرق از منظر محتوا و اندیشه چرب‌تر و شیرین‌تر از دیگر حوزه‌هاست به دلیل این‌که در حوزه شمال‌شرق اگر از بستر ادبی - فرهنگی دریاچه نام ببریم و مثالی بزنیم، این بستر با فراهم کردن زمینه خوب کاری در قسمت شعر، کاملاً درخشیده و می‌شود این را به حساب همان ریاضت و ممارست مداوم دوستان دریاچه در قبال شعر دانست.

**\* چه شمار نهادهای فرهنگی در شمال‌شرق فعال اند و در کدام بخش‌های فرهنگی کار می‌کنند؟**

نهادهایی که در زمینه شعر فعالیت دارند؛ بستر ادبی - فرهنگی «دریاچه» در استان تخار و نهاد «دریاچه باز» در استان بدخشان اند. نهادهای دیگری نیز وجود دارند از جمله «آستانه» در استان بغلان که کارهای خوبی از ایشان نیز سراغ داریم. بیشترین فعالیت این نهادها در زمینه شعر و داستان است که ما شاهد چاپ و نشر آثار شعری و داستانی از دوستان شاعر و نویسنده‌مان در این حوزه هستیم.

**\* کار شاعران جوان افغانستان را در شعر پسا‌طالبانی چگونه می‌بینید؟**

به باور من، شعر پسا‌طالبانی و یا شعر پسامقاومت در رده بهترین آثار خلق‌شده در دهه‌های پسین افغانستان است. چهره‌های شاخص و بلندبالایی در این زمان ظهور کردند که ادبیات افغانستان واقعا به آنان می‌بالد. آثار خلق‌شده در حوزه شعر و همچنان داستان، یکی از شگفتی‌های دوره پسا‌طالبان بوده‌اند که امروز به صدها کتاب و مقاله ادبی، داستان و

دیگر گونه‌های ادبی رسیده‌اند که در حقیقت، سرمایه معنوی این دوره است.

**\* برای بهتر شدن حال‌وهوای کارهای فرهنگی در افغانستان چه پیشنهادهایی دارید.**

کارهای ادبی، مستلزم دست‌گیری و همیاری دولت و نهادهایی‌ست که برای توسعه و بهتر شدن ادبیات و فرهنگ به‌میان آمده‌اند. از سوی دیگر، راهکارها باید از جانب پیش‌قراولان صحنه ادبیات پیشنهاد گردد تا نسل‌های بعدی از تجارب و اندوخته‌های ادب ایشان استفاده اعظمی ببرند و در حقیقت، باز نگه‌داشتن این پنجره به سوی نوساوه‌گان است که می‌خواهند در این ره قدم بزنند.

**۱. به عنوان حسن ختام خواهش داریم که چند سروده‌تان را با خواننده‌گان روزنامه ماندگار شریک بسازید.**

۱ شاید برای بار آخر بود خندیدم

در کوچ‌ه‌ها نعلش زمستان بود و تنهایی

با قار قار یک کلاغ پیر رقصیدم

با قامت تا خورده یک مرد رویایی

شاید تو خود می‌خواستی یارب که این آدم

از بدو خلقت در کف یک اهرمن باشد

آیین عمر من و هفتاد پش من

افتاده در پای پُر از تردید زن باشد

پیوند خوردی با من و با روز و شب‌هایم

شاعر شدم بی‌هیچ تردیدی برای تو

تا با وجود این همه پوچی غزل سازم

از انتهای... انتهای... انتهای تو

تا آشنا با خلق و خوی کافر باشم

در شعرهایم گیسوانت را رها کردی

یک شب در اوج تیره‌گی دندان گرگی را

با بره‌های دامن خود آشنا کردی

این‌جا هوای زنده‌گی در حد تخار است

گم می‌شوی در کوچ‌ه‌ها از فرط خاموشی

با پاره‌هایی از تنت در هر کجای خاک

افتاده چون ابیات در دست فراموشی

تا حد امکان از لبانت دور افتادم  
آلوده‌ام با عشوه کبک دری کردی  
پاکی شبیه آسمان‌ها، مثل دریاها  
خیر است اگر یک شب برایم دلبری کردی

۲  
سری به کوچ‌ه بن‌بست می‌زدی می‌شد  
به شانه‌های کسی دست می‌زدی می‌شد

درون میکده می‌آمدی شب تنها  
شراب با من سرمست می‌زدی می‌شد

به دست‌های تو زندان شدم نفهمیدی  
به خنده‌های تو گریان شدم نفهمیدی

۳  
به دست‌هام که پیوسته از تو لرزان، نه  
به بوسه‌های تو در سایه درختان، نه

ترا کجا به کدام آسمان مرور کنم  
و خاطرات تنت را چه گفته گور کنم

شبیه ماه تمام که پشت پنجره مرد  
صدای خسته شاعر درون حجره مرد

مرا به کفر کشیدی که عاشقت باشم  
چقدر زجر کشیدم که لایقت باشم

مدام بی‌تو به اندازه دلم تنگم  
مجاز نیست بدون صدایت آهنگم

تو در ادامه ره می‌رسی و من، اما  
کنار گور خودم ایستاده‌ام تنها

به خواب می‌روم و فیلم‌نامه تکرار است  
خدای سرخوش من پشت کوه بیدار است

۴  
در کنار همین جهان بزرگ  
جسد شعرهام جا مانده

که پُر است از تگرگ و از توفان  
که پُر است از حروف ناخوانده

در کنار همین جهان بزرگ  
یک مسافر به زیر باران بود  
گریه‌اش روی شانه‌های کسی  
مثل آندوه مثل هذیان بود

در کنار همین جهان بزرگ  
مثل یک پادبان به بند شدم  
روی این آب‌های بی‌پایان  
روزگاری فقط بلند شدم

در کنار همین جهان بزرگ  
زیر یک تکه آسمان ماندم  
بُغض‌هایم پُر اند از فریاد  
پشت آوازه‌ها نمانم

در کنار همین جهان بزرگ  
قهوه یا چای تلخ نوشیدم  
شوکران اسارت خود را  
قونیه تا به بلخ نوشیدم

در کنار همین جهان بزرگ  
دست‌هایت تهی‌ست از هیجان  
مرگ خود را سراغ می‌گیری  
از قفس از درون این زندان

در کنار همین جهان بزرگ  
مثل کودک دچار فردا ای  
نیستی در پی پیامد خود  
ماجرای ای پُر از تماشا ای

در کنار همین جهان بزرگ  
دست‌های ترا رها کردم  
بعد در خانه، در خیابان‌ها  
در هوایت خدا خدا کردم

در کنار همین جهان بزرگ  
آمدن، رفتن، اتفاقی بود  
درد دوری گیسوان شما  
سال‌ها با من هم‌اتاقی بود.

فرید حمیدی، دادستان کل:

## پرونده‌های خبرنگاران به شکل جدی پیگیری می‌شود

او گفت: دسترسی به اطلاعات حق مردم است و اداره دادستانی کل تمام معلومات را به وقت و زمان آن در دسترس رسانه‌ها و مردم قرار خواهد داد.

به خانواده‌ها ضرر نرسانید هم‌چنان، دکتر علامه رییس انستیتوت آموزش‌های مسلکی دادستانی کل در این نشست گفت: رسانه‌ها در امر اطلاع رسانی از جریان خشونت‌ها خانواده‌گی و متهمان، تلاش نمایند تا ضرری متوجه خانواده‌ها نشود. دکتر علامه افزود: بیشتر قتل‌های ناموسی و تجاوزهایی که در کشور صورت می‌گیرد از طرف رسانه‌ها طوری افشا می‌شود که حتا خانواده قربانی متضرر می‌شود که خلاف عرف خبرنگاری است.

رییس انستیتوت آموزش‌های مسلکی دادستانی کل با بیان این‌که آزادی بیان حق هر فرد است و برای حمایت از آزادی بیان دولت و مردم افغانستان پابند هستند، گفت: در بسا موارد برخی از اطلاعات هستند که دادستانی کل نمی‌تواند آن را با رسانه‌ها شریک سازد.

از سویی هم، جمشید رسولی سخنگوی دادستانی کل در اخیر این برنامه از همکاری همه جانبه با خبرنگاران و رسانه‌ها اطمینان داده افزود که برای تسهیلات بهتر ارایه اطلاعات برای رسانه‌ها و مردم بانک ارایه اطلاعات را در دادستانی کل ایجاد خواهند کرد.

فساد ریشه کن می‌شود آقای حمیدی در ادامه سخنان خود مبارزه با فساد اداری را از کارهای مهم این اداره بیان کرد، او گفت: در نتیجه تلاش‌هایی که صورت گرفته است، افغانستان از رده سوم کشورهای فاسد به رده هشتم این کشورها صعود کرده که نشان دهنده مبارزه جدی دولت در برابر این پدیده است.

او گفت: ما در امر مبارزه با فساد اداری تعهد جدی داریم و دولت وحدت ملی مصمم به ریشه‌کن کردن فساد اداری و تأمین عدالت برای شهروندان می‌باشد. به گفته او، در دو سال گذشته تعهداتی که برای مردم صورت گرفته است، برای عملی کردن آن تلاش‌های خود را به شکل جدی به خرج می‌دهیم.

آقای حمیدی تصریح کرد که عدالت وقتی تأمین می‌شود که حقوق و آزادی مردم افغانستان حفظ شود. او بیان داشت که رسانه‌ها افغانستان در امر اطلاع رسانی تا هنوز دستاوردی قابل ملاحظه داشته‌اند و تلاش کرده‌اند که حقیقت را برای مردم افغانستان اطلاع رسانی کنند.



ابوبکر صدیق

امنیت و مصونیت خبرنگاران در اولویت برنامه‌های لوی سارنوالی / دادستانی کل کشور قرار دارد.

فرید حمیدی، دادستان کل / لوی سارنوال کشور روز چهارشنبه در یک نشست مشترک، تحت عنوان همکاری دادستانی کل با رسانه‌ها صحبت می‌کرد گفت: کمیته مشترک با کمیته رسانه‌ها برای پیگیری پرونده‌های خبرنگاران تشکیل شده و عنقریب شاهد نتیجه کارکردشان خواهیم بود.

خشونت و زورگویی در برابر خبرنگاران با گذشت هر روز افزایش یافته است و سال گذشته میلادی خبر نگاران در افغانستان بر بنیاد آمارهای نهادها، بیشترین تلفات را داشته اند. در پانزده سال گذشته چندین خبرنگار به اشکال مختلف در مرکز و ولایت‌های کشور به قتل رسیده است؛ اما پرونده‌های آنان بررسی نشده‌اند. همچنان ممانعت‌های زیادی پیش روی کار خبرنگاران در سال‌های اخیر به وجود آمده است و خبرنگاران با مشکلات کلانی در امر اطلاع رسانی مواجه اند.

اما دادستان کل کشور با اعلام حمایت از رسانه‌ها و خبرنگاران، بیان کرد که این اداره به عنوان نهاد عدلی افغانستان، از رسانه‌ها و خبرنگاران حمایت قاطع می‌نماید.

آقای حمیدی افزود: امنیت و مصونیت خبرنگاران و اهل رسانه‌ها از اولویت این نهاد می‌باشد؛ چنانچه تأمین عدالت و مصونیت مردم افغانستان در اولویت برنامه‌های این نهاد قرار دارد.

دادستان کل / لوی سارنوالی افغانستان با بیان این‌که این اداره مکلف به رعایت اصل حمایت از آزادی بیان است، گفت: رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم و بازوی قوی برای دولت و نهادهای عدلی و قضایی کشور می‌باشد.

او گفت: در برخی موارد حتا نهادهای کشفی، عدلی و قضایی نتوانسته‌اند به برخی از قضایا دست یابند؛ اما همین رسانه‌ها بوده‌اند که قضایایی مهم و جدی را افشا کرده در پیگیری پرونده‌های متهمان نهادهای عدلی و قضایی کشور را همکاری کرده‌اند.

آقای حمیدی با تمجید از کار خبرنگاران گفت: در دشوارترین شرایط خبرنگاران در خط مقدم جنگ حضور می‌یابند و از جریان خطرناک‌ترین لحظات برای مردم اطلاع رسانی می‌کنند.

آقای حمیدی آزادی بیان را یکی از دستاوردهای ۱۶ ساله حکومت پسین قلم داد کرده و گفت: رسانه‌ها در عرصه اطلاع رسانی و تأمین امنیت و عدالت در کشور تلاش جدی خود را به‌خرج می‌دهند.

آقای حمیدی در مورد نگرانی‌هایی که در مورد پیگیری پرونده‌های خبرنگاران وجود دارد گفت: یک کمیته مشترک با کمیته رسانه در مورد پیگیری پرونده‌های خبرنگاران کار می‌کند که عنقریب شاهد نتیجه کار این کمیته خواهیم بود.

آقای حمیدی از هرنوع همکاری با رسانه‌ها اطمینان داده بیان کرد که اطلاع دهی در چارچوب قانون برای رسانه‌ها از اولویت نهادهای دولتی به‌خصوص دادستانی کل محسوب می‌شود.

## تسهیلات هند برای اتباع افغانستان



اتاق مشترک تجارت ایجاد کنند. حجم تجارت میان افغانستان و هند سالانه حدود ۶۰۰ میلیون دلار است. دولت هند در چهارده سال گذشته یکی از کمک کننده‌های اصلی افغانستان بوده است.

سرمایه‌گذاری‌شان، می‌توانند با نشان دادن اسناد مربوط، از یک تا ۵ سال ویزا بگیرند. زمان اقامت در هر دیدار ۱۸۰ روز تعیین شده است. در سال ۲۰۱۵ افغانستان و هند توافق کردند که برای توسعه تجارت و تشویق سرمایه‌گذاری

سفارت هند در افغانستان اعلام کرده است که شرایط اخذ ویزا برای شهروندان افغان را ساده‌تر کرده است.

در خبرنگاری که در صفحه رسمی فیسبوک سفارت هند در افغانستان منتشر شده است، توضیحات بیشتری در این باره داده شده است. به اساس این خبرنگار، زمان ویزای سیاحت به یک سال تغییر کرده است و شخص می‌تواند در هر بازدید ۹۰ روز در آن کشور بماند. قبل از این مدت اقامت در هر بازدید ۳۰ روز بود. ولسی فاصله زمانی ۶۰ روز میان دو بازدید همچنان پا برجاست.

در خبرنگار هم‌چنین آمده است که دولت هند به منظور تحکیم هر چه بیشتر روابط تجاری هند و افغانستان، ویزای هند را برای سرمایه‌گذارهای افغان هم ساده‌تر کرده است. تاجرها و سرمایه‌گذارهای افغان نظر به حجم

سخنگوی ریاست اجرایی:

## متقلبین نباید معافیت داده شوند



سخنگوی ریاست اجرایی می‌گوید که راه دیگری جز برگزاری انتخابات در کشور وجود ندارد.

مجیب‌الرحمن رحیمی، روز پنجشنبه (۱۴ دلو) در کنفرانس خبری هفته‌وار خویش در کابل گفت که پیش‌شرط برگزاری انتخابات، اصلاحات در نهادهای انتخاباتی و توزیع کارت‌های رأی‌دهی جدید می‌باشد.

او افزود که در گذشته بیشتر از نفوس افغانستان واجدین شرایط رأی‌دهی کارت توزیع شده است. بنابراین، بدون اصلاحات در نظام انتخاباتی و توزیع کارت‌های رأی‌دهی جدید، ما همانند گذشته شاهد یک انتخابات شفاف پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها نخواهیم بود.

سخنگوی ریاست اجرایی تأکید کرد که پیش‌شرط برگزاری انتخابات اصلاحات است و شفافیت و کیفیت پروسه نباید فدای تعجیل در برگزاری انتخابات گردد.

آقای رحیمی، با اشاره به دیدار رییس اجرایی کشور با نماینده اتحادیه اروپا در افغانستان گفت که متقلبین انتخاباتی نباید معافیت داده شوند. او تصریح کرد که ریاست اجرایی کشور مخالف هر نوع امتیازدهی به تقلب‌کاران انتخاباتی می‌باشد. سخنگوی آقای عبدالله اضافه کرد که آنان در گذشته با تقرر تقلب‌کاران در سمت‌های اجرایی و سفارت‌خانه‌های افغانستان در کشورهای خارجی مخالفت کرده‌اند.

مجیب‌الرحمن رحیمی در پیوند به سروصداها درباره تغییر نظام و ساختار قدرت در افغانستان گفت که قانون اساسی کشور در این زمینه صراحت دارد و مطابق مواد آن، در راستای تغییر نظام سیاسی کار خواهند کرد.

او همچنان با اشاره به اتهامات برخی گروه‌ها و شخصیت‌ها گفت: متهم‌ساختن جریان‌ها و شخصیت‌هایی که خواستار تغییر نظام هستند، به قوم‌گرایی و وابستگی به کشورهای خارجی اشتباه است.

او افزود: ریاست اجرایی به دلایل متعدد از جمله ارایه بهتر خدمات به مردم و سهیم‌ساختن آنها در تصمیم‌گیری، خواهان تعدیل قانون اساسی و در نتیجه آن تغییر نظام می‌باشد.

سخنگوی ریاست اجرایی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران درباره رهایی زندانیان حزب اسلامی از زندان‌های کشور گفت که مطابق توافق‌نامه حکومت وحدت ملی با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، شماری از زندانیان این حزب از زندان‌های کشور آزاد می‌گردند. اما آقای رحیمی خاطر نشان ساخت که این زندانیان شامل آن‌هایی که به جنایت و کشت و خون دست داشته‌اند، نخواهد بود. او گفت که دیگر دروازه زندان‌های کشور به روی جنایت‌کاران و گروه‌های دهشت‌افکن همانند دوره آقای کرزی باز نیست.

سخنگوی ریاست اجرایی در بخشی از اظهاراتش به دست‌آوردهای سفر داکتر عبدالله رییس اجرایی کشور به ولایت هلمند اشاره کرد. او گفت که در این سفر روی طرح‌هایی به توافق رسیده‌اند که در نتیجه آن وضعیت امنیتی ولایت هلمند بهبود خواهد یافت.

**فیسبوک نامه**

نعمت الله بیژن



در جریان تحلیل اقتصاد جهان و آسیا، به شمول منطقه پیرامون افغانستان بودم، خواستم چند موضوع مهم را با دوستان در این جا در میان بگذارم.

۱. تا وسط قرن بیست و یکم، آسیا بیشتر از ۵۰ درصد بازدهی اقتصادی جهان را تولید خواهد کرد. در آغاز دهه آینده، حجم اقتصاد چین و هند بیشتر از هفت کشور صنعتی دنیا و یا جی ۷ خواهد شد.

۲. در آینده نزدیک بیشترین طبقه متوسط دنیا در آسیا زنده گی خواهند کرد.

۳. پیش بینی می شود، همان گونه که قرن نوزده، قرن بریتانیا و قرن بیستم، قرن امریکا بودند، قرن بیست و یکم قرن آسیا خواهد بود.

خوب، اگر مسایل را از روزه گی فراتر تحلیل کنیم، فرصت بزرگتری که بهتر از یک و نیم دهه قبل خواهد بود، فرا راه افغانستان وجود خواهد داشت. برنامه های همکاری های اقتصادی افغانستان یکی از بزرگترین سرمایه گذاری هایی است که افغانستان را در میان سایر کشورهای همانند آن پیشگام خواهد ساخت.

بزرگترین کاری که در مقابل ما قرار دارد، این است تا اولویت های خود را واقع بینانه تشخیص داده و منابع خود را برای عملی ساختن آن منسجم سازیم. برای این کار توافق و اجماع میان گرداننده گان کلیدی در حکومت و بیرون از حکومت مهم است.

ما نیاز داریم تا پس از سال های سال، قناعت کنیم که جو سیاسی حاکم در کشور، هم می ما را بیچاره و فقیر نگه داشته و وطن را به کشتارگاه مبدل ساخته است. ممکن چند بازی بزرگی روی تخته یی شطرنج کشور بازی شود؛ اما بر ما است تا بازی را انتخاب کنیم که در ختم روز عزت و رفاه را به مردم و وطن به ارمغان آرد.

**امر الله صالح**



نکته های باریک: اگر متوجه شدید که رسانه های خارجی نوشته اند که منابع عاید طالبان و دیگر تروریستان در داخل افغانستان، تنها معادن و جزیه گیری است، باور نکنید.

آن ها تلاش می کنند ناکامی کشورهای خود را در مهار سازی شرارت پاکستان پنهان کنند. اگر اختلاف قومی را کلان ساختند و بزرگ نمایی کردند، بدانند ناکامی خود در ظرفیت سازی نهاد را کتمان می کنند. اگر گفتند، مشکل اساسی در اختلاف ارگ با سپیدار است، بازهم متوجه باشید که می خواهند با این بهانه ها از تعهدات خویش دوری کنند.

ملت افغانستان در جنگ ضد ترور قربانی بزرگ داده است. این جنگ در عین زمان که به دفاع از ارزش های ملی بوده است، به همان اندازه در راستای ارزش های جهانی و منافع و اهداف امنیتی جهان نیز بوده است. نگارید نویسنده گان و مبصرین به عوض پرداختن به ریشه اصلی بحران در منطقه که ما قربانی آن هستیم، خود ما را عامل ناکامی ها بدانند و ما باور کنیم. این روند به نحوی آغاز گردیده است و من می بینم که اذهان را از واقعیت تلخ که یا نمی توانند یا نمی خواهند آن را حل کنند دور می سازند. افغانستان صدها مشکل داخلی دارد، ولی علت بی ثباتی و جنگ فعلی اختلافات و گسسته گی های درونی ما نیست.

**ملک ستیز**



ملتی که به هنرش قدر نمی گذارد، بی معنا می شود و می میرد!

یکی از بازارهای پُر درآمد برای افغانستانی ها در غرب را گروه های موسیقی می سازند. این گروه ها با دریافت پول های وافر و سیاه در محافل خوشی خانواده های افغانستانی ها آواز و هیاهو می سازند. آن ها پارچه های زیبای موسیقی اصیل هنرمندان با سابقه و امروزی را بازخوانی می کنند و از این راه پول در می آورند. اما هنرمندانی که با خون جگر این آهنگ ها را ساخته اند، به سان بیلتون، اسماعیل چاریکاری، رحیم غم زده و ده های دیگر، از فقر و غربت راهی به جز مرگ ندارند.

آنانی که در آخرین تلاش ها برای زنده ماندن، به سان امانی و ماشینی در بیمارستان ها افتاده اند و منتظر حمایت مردم هستند. نمی دانم چرا در میان آواز خوانان نهاد یا صندوق حمایتی برای هنرمندان فقیر و بدبخت ما شکل نمی گیرد. چرا این «هنرمندان» ما که در هر محفل شادمانی بیش تر از دوهزار دالر در می آورند و با یک کیبورد و دهل به گوش همه چون توپ می کوبند، میکائیزی را شکل نمی دهند که به استادان واقعی شان حداقلی حمایت وجدانی و حرفه یی نشان دهند.

این همه اتحادیه، کمیته، مرکز فرهنگی، نهاد هم آهنگی، شورا، تلوزیون جهانی و... که از نام افغانستانی ها در کشورهای غربی فعالیت دارند، چرا نمی توانند صندوقی برای حمایت از هنرمندان فقیر و بیمار کشور شکل دهند.

بهتر است از ترک ها بیاموزیم. آن ها برای حمایت هنرمند محلی خوان به نام متین کریم، تنها در شهر امستردام یک صد هشتاد هزار یورو جمع آوری کردند تا بیمارستان داوود پادشاه تومور سرطانی اش را مداوا کند. من از هنرمندان بنام کشور، چون دکتر فطرت، فرهاد دریا، وحید قاسمی، دکتر سمیع حامد، احمد ولی، استاد خیال، استاد مهوش، امیر جان صبوری، استاد مددی، داوود سرخوش، دکتر اسد بدیع، شفیق مرید و فعالین مدنی خواهش مندم تا در زمینه کاری انجام دهند. ملتی که هنرش را قدر نمی گذارد، بی معنا می شود و می میرد.

**گزارش تکان دهنده سازمان ملل از جنایات ضد بشری علیه مسلمانان روہینجا**

براساس گزارش روز جمعه سازمان ملل مشخص شد که در جریان چهار ماه سرکوب نظامیان ارتش میانمار علیه مسلمانان روہینجا احتمالاً صدها تن از این افراد کشته شده اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در این گزارش که از سوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل منتشر شده با اشاره به سرکوب مسلمانان روہینجا توسط ارتش میانمار که از ۱۰ اکتبر آغاز شد، آمده است: عملیات پاکسازی منطقه احتمالاً باعث کشته شدن صدها تن شده است.

در این گزارش که بر مبنای مصاحبه با ۲۰۴ آواره روہینجایی است که به بنگلادش گریخته اند، آمده است: احتمال زیادی وجود دارد که جرایم علیه بشریت در میانمار رخ داده باشد.

قربانیان گفته اند که این اقدامات و خشونت ها از سوی اعضای سرویس های امنیتی میانمار یا شبه نظامیانی که در کنار ارتش و پلیس کار می کنند، به وقوع پیوسته است.

دفتر حقوق بشر سازمان ملل در یک بیانیه خبری اعلام کرد: گزارش شده که یک کودک ۸ ماهه گردنش بریده شده در حالیکه مادرش از سوی پنج افسر امنیتی مورد تجاوز جنسی گروهی قرار گرفته بود.

سازمان ملل همچنین اعلام کرد که گزارش شده سه کودک شش ساله یا کوچکتر با چاقو سلاخی شدند. زید بن رعد الحسین، رییس دفتر حقوق بشر سازمان ملل در این بیانیه اعلام کرد: این چه نوع جنایتی است که در آن مردی کودکی شیرخواره را از مادرش دور می کند؟! ۴۷ درصد از افرادی که توسط سازمان ملل مورد مصاحبه قرار گرفتند، گفتند که یکی از اعضای خانواده شان در این عملیات کشته شده در حالیکه ۴۳ درصد نیز گفتند که مورد تجاوز قرار گرفته اند.

دولت میانمار روہینجاها را یکی از اقلیت های مذهبی در کشور نمی داند و آنها را بنگالی می نامد.

سرکوب ارتش در ولایت راخین در غرب میانمار که محل اصلی اسکان روہینجایی ها است در پی یکسری حملات در ۹ اکتبر به پست های مرزی رخ داد.

بررسی دولت یانگون درباره اقدامات صورت گرفته در این عملیات نظامی هرگونه دست داشتن نیروهای امنیتی را در کمپین نسل کشی علیه روہینجایی ها رد کرده است.

رییس دفتر حقوق بشر سازمان ملل امروز بار دیگر از دولت میانمار به ریاست آنگ سان سوچی، دموکراسی خواه میانماری و برنده جایزه صلح نوبل خواست تا برای توقف این جرایم اقدامی صورت دهد.

وی گفت: دولت میانمار باید سریعاً این نقض های گسترده علیه حقوق بشر را علیه مردم خودش متوقف کند، به جای آنکه به رد آنچه که اتفاق افتاده، ادامه دهد.

**جنجال در هند؛ زنان "زشت" باید جهیزه بیشتری بدهند**

یک کتاب درسی در هند، جنجال ناخواسته یی را در این کشور به راه انداخته است. در این کتاب درسی گفته می شود که خانواده های زنان "زشت" برای به ازدواج درآوردن آنان مجبورند رقم بیشتری را صرف جهیزه آنان کنند.

در کتاب دانش اجتماعی که توسط ایالت مهاراشترا به چاپ رسیده است، گفته شده والدین کسانی که آنان را دختران 'زشت' و معلول می نامد، اغلب اوقات ناتوان از برآوردن خواسته خانواده داماد برای جهیزه بیشتر هستند.

وزیر آموزش این ایالت می گوید که دستور به تصحیح این کتاب را داده است.

رسانه های هند، این بخش از متن کتاب را 'شوکر آور' توصیف کرده اند. هرچند یک ستون نویس گفت که این کتاب درسی صرفاً بر رسوم و نگرش های واپسگرایانه انگشت گذاشته و آنان را برجسته کرده است.

پرداخت جهیزه در هند، چه نقدی و چه غیر نقدی، غیر قانونی است اما هنوز در عرف این کشور امری عادی محسوب می شود.

**افغانستان و فرصت راهیابی به جام کنفدراسیون فوتبال آسیا**



تیم فوتبال شاهین آسمایی، قهرمان لیگ برتر افغانستان دومین دیدار راهیابی مقدماتی به جام کنفدراسیون فوتبال آسیا را با تیم حاصلات تاجکستان، به تاریخ هفتم فیبروری انجام می دهد.

این تیم در دیدار نخست که به مثابه "رقابت برگشت" پنداشته می شد، ۱-۰ به حاصلات تاجکستان باخت.

علی عسکر لعلی، سرپرست تیم ملی فوتبال افغانستان می گوید که هنوز هم فرصت راهیابی به دور بعدی وجود دارد، در صورتی که تیم شاهین آسمایی "رقابت را ۲-۰ در میدان ببرد، یا این که با سه ثمر رسانیدن یک گول سرنوشت بازی را به ضربات پنالتی بکشاند".

آقای لعلی گفت که تقریباً ۹ بازیکن تیم شاهین آسمایی عضویت تیم ملی را دارند و باید در رقابت بعدی نتیجه خوبی بگیرند.

این نخستین بار است که یک کلب فوتبال افغانستان در همچو یک سطحی از فوتبال منطقه حضور می آید؛ اما آقای لعلی با انتقاد از نحوه رسیدگی به حضور یابی شاهین آسمایی در تاجکستان، می گوید: "نباید فرصت های طلایی به دست آمده را ساده از دست داد و همه تلاش ها و ضیاع وقت ورزشکاران را به باد فنا داد."

حمید یوسف زئی، دروازه بان شاهین آسمایی و دروازه بان پیشین تیم ملی فوتبال افغانستان در جریان تمرینات تیم در دوشنبه از ناحیه دست مصدوم شد و نتوانست در رقابت حضور یابد.

آقای لعلی می گوید: "باید تیم ها برای حضور بهتر در جام، پست های عمده دفاعی و حمله یی را با بیش از یک بازیکن پُر کنند".

به گفته آقای لعلی، اکنون یک دروازه بان اضافی از کابل به تاجکستان اعزام شده تا کمبود دروازه بان، در رقابت بعدی احساس نگردد. با پیشینه بازی چشم گیر که تیم شاهین آسمایی در رقابت دوم خود دارد،

به باور آقای لعلی: "انتظار برده می شود، شاهین آسمایی بتواند تیم حاصلات را در دومین دیدار شکست دهد." در صورتی که نماینده افغانستان، بتواند حاصلات تاجکستان را از راه بردارد با برنده تیم های بالکان ترکمنستان و دوردوی قرغزستان، در دور عبوری رقابت ها مسابقه خواهد داد.

**احمد ولی هوتک: افغانستانی ها از مسابقات دوشنبه دست پُر بر خواهند گشت**

تیم هشت نفری ورزشکاران بخش MMA یا رقابت های مبارزات مختلط و آزاد افغانستان، به دوشنبه پایتخت تاجکستان رسیده اند. احمد ولی هوتک، مشاور ورزشی کمیته ملی المپیک افغانستان که مربی تیم شش نفری ورزشکاران افغانستان است، گفت که ورزشکاران افغانستان برای این رقابت ها آماده گی کامل داشته و با دست پُر بر خواهند گشت.

این ورزشکاران در وزن های ۶۰، ۸۰، ۶۸، ۸۴ کیلوگرم وارد میدان مسابقه خواهند شد.

آقای هوتک که خودش نیز در رقابت های مختلف خارجی اشتراک کرده و دست آوردهای زیادی داشته است، افزود که قرار است امروز وزن کشی و فردا رقابت ها برگزار شود و ورزشکاران افغانستان با حریفان تاجکی، ایرانی و ازبکستانی به رقابت خواهند پرداخت.

بیشتر رقابت های ورزشی که ورزشکاران افغانستان، در آن اشتراک می کنند، از طریق تلویزیون به نمایش گذاشته نمی شود، اما آقای هوتک گفت که این رقابت ها را تلویزیون یک به گونه مستقیم نشر خواهد کرد.



# Mandegar

## ولې د اسلامي نړۍ مشران د ترمپ په وړاندې چپ پاتې شول؟



### ملا رسول کشته شده است؟

در حالی که برخی از کشته شدن ملا رسول رهبر شاخه انشعابی طالبان در نخستین حمله هواییمای بدون سرنشین امریکا خبر می دهند، افراد نزدیک به این گروه می گویند وی ماهها قبل ناپدید و در زندانی در پاکستان کشته شده است.

صبح دیروز خبر نخستین حمله پهپادهای امریکایی در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان منتشر شد و برخی منابع از کشته شدن ۵ شبه نظامی در این حمله خبر دادند.

بلافاصله پس از انتشار این خبر، پایگاه خبری پاکستانی اکسپرس اعلام کرد که ملا رسول سرکرده طالبان انشعابی به همراه دامادش در حمله هواییمای بدون سرنشین امریکا کشته شده است.

با این حال، برخی از رسانه‌های دیگر پاکستانی مانند نوای وقت اعلام کردند که اختر رسول پسر برادر سرکرده طالبان انشعابی و تعدادی دیگر از اعضای ارشد این گروه در این حمله کشته شده‌اند.

اما انتشار این خبر در این برهه زمانی و ربط دادن آن به نخستین حمله پهپادی امریکا در دولت ترامپ خود دارای نکات مهمی است که در زیر به آنها اشاره خواهد شد:

ماجرای انشعاب در طالبان پس از ملا عمر پس از اعلام خبر مرگ ملا محمد عمر رهبر طالبان افغانستان، شورای علمای این گروه ملا اختر محمد منصور را به عنوان رهبر جدید این گروه برگزیدند با این حال فرماندهان مخالف ملا اختر منصور رهبر جدید طالبان، گروهی جدید تشکیل دادند و ملا محمد رسول را به عنوان رهبر خود معرفی کردند.

گروه جدید طالبان ناراضی خود را «شورای عالی امارت اسلامی افغانستان» نامیدند و ملا منصور دادالله و شیر محمد منصور را به عنوان معاونان رهبر جدید انتخاب کردند.

منصور دادالله یکی از فرماندهان ارشد طالبان بود. ملا دادالله آخوند برادر منصور دادالله فرمانده نظامی طالبان بود.

شیر محمد منصور پسر مولوی نصرالله منصور یکی از رهبران جهادی سابق است.

همچنین این گروه عبدالمنان نیازی را به عنوان سخنگو منصوب کرد. این گروه از زمان تشکیل هدف اصلی خود را مبارزه با طالبان به رهبری ملا اختر منصور اعلام کرد و تاکنون جنگ‌های متعددی میان این دو گروه در مناطق مختلف افغانستان به ویژه در ولایات فراه و هرات به وقوع پیوسته است.

### خالد خرگند

د امریکا نوي ټاکل شوي ولسمشر ډونالډ ټرمپ د ولسمشر په توگه له ټاکل کېدو او وړځي (د جنورۍ په ۲۷مه) وروسته یو اجرایوي فرمان لاسلیک کړ چې په ترڅ کې د اوو اسلامي هیوادو په وگړو د امریکا خاورې ته د ننوتو بندیز ولگید او هغوی یې امریکا ته له ورتگ څخه منع کړل.

د ټرمپ دغه گام ته د نړۍ مشرانو ټنډ غبرگونونه وښوده او هغه یې په سختو ټکو وغانده او هغه یې له تبعیضه ډک عمل وگاڼه. حتی تر دې کچې چې د امریکا دننه خلکو د دې کړنې په غبرگون کې مظاهري او لاریونونه په لار واچول چې ځینو یې لا د مسلمان په توگه ځانونه راجستر کړل.

خو پوښتنه دا ده چې ولې د اسلامي نړۍ مشرانو د ولسمشر ټرمپ د دغه گام په وړاندې بالمثل گام اچت نه کړ او ولې په لویه کچه و نه غانده؟

په نړۍ کې ۵۷ اسلامي هیواده دي او د مسلمانانو شمیر تر ۱،۷ میلیارده اوږي، خو ټرمپ دغه ۵۷ پنځوس ملکه نالیدلي نیسي او دغه ۱،۷ میلیارده خلکو په کیسه کې هیڅ نه دی. ولې ټرمپ دغه کار د نورو هیوادو په وړاندې و نه کړ؟ د غرب او شرق مشرانو دغه کړنه و غندله خو د اسلامي نړۍ مشران او د اسلامي کنفرانس سازمان خو لا په ژمنې خوب ویده دی. دلته څو ستر عامله دي چې د دې چټیا باعث شول:

(۱) د اسلامي نړۍ چارواکي په ټوله کې د مشروعیت له بحران سره مخ دي؛ هغه په دې معنا چې دوی د ولس په خوښه ځواک ته نه دي رسیدلي، بلکې د غرب په سیاسي-نظامي ملاتړ یې واگي تر لاسه کړي نو ځکه خو دغه جرئت نه شي کولی او چپ پاتې شول.



چې د امریکا د گټو خونديتوب؛ د دوی د گټو د خونديتوب په معنا ده؛ نو ځکه خو د ټرمپ په وړاندې چپ پاتې شول.

(۲) بله خبره دا ده چې له دغو مشرانو سره د ولس ملاتړ نه شته او دوی له دې ویره لري، که چیرې له امریکا سره په ټکر کې راشي، نو امریکا په ډیره آسانی سره کولی شي چې دوی له واکه لرې او کوم بل څوک یې ځای ناستی کړي، لکه چې په لیبیا، مصر او تونس کې تجربه شول.

(۳) دریم عامل یې دا دی چې، په اسلامي خاورو کې د ولس او چارواکو تر منځ ستر فکري واټن پروت دی. هغه داسې چې ولسونه مسلمان؛ خو نظام او چارواکي یې سیکولر دي، نو په همدې خاطر دی چې مشران یې د اسلام او اسلامي ارزښتونو په وړاندې هیڅ احساس نه لري.

(۴) څلورم عامل دا کیدای شي چې، د اسلامي نړۍ چارواکي خپلې شخصي او د کورنۍ گټې د امریکا په گټو کې ویني، او په دې باور دي



### مؤسسه تحصیلات عالی زاوول

نهاد علمی، اکادمیک و مؤثر در کشور

با داشتن استادان متخصص باسویه‌های بلند تحصیلی، صنوف معیاری، لابراتوارهای مجهز سیستم درسی به میتودهای قبول شده بین المللی، کتابخانه مجهز، فضای سبز عالی محیط زیست، تنوع درسیستم آموزشی نظری و عملی.

- \* طب معالجوی
- \* طب ستوماتولوژی
- \* حقوق و علوم سیاسی
- \* کمپیوتر ساینس
- \* اقتصاد

برای فارغان صنوف (۱۲) \* ستوماتولوژی (طب دندان) \* قابلیت

و همچنان برای روند پیشرفت تحصیلی فارغان صنوف (۱۴) ستوماتولوژی و قابلیت با ابتکار و فعالیت علمی سیستم بریجینگ یا متمم لسانس در پوهنځی های: \* خدمت گذار هموطنان عزیز و شایقین علوم معاصر در افغانستان بهترین موقعیت - محیط اکادمیک زمینه ساز رشد محصل محوری